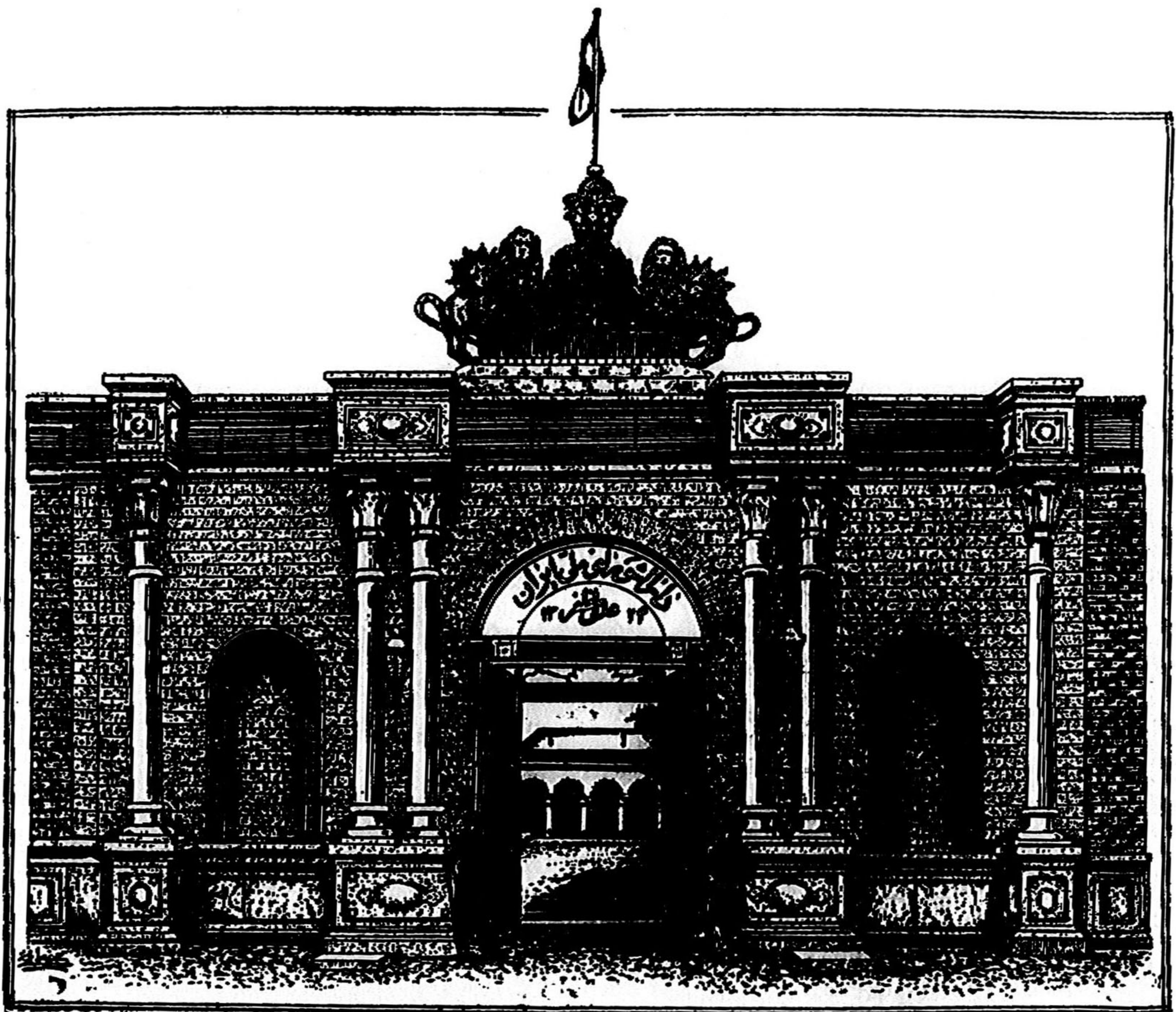


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۱۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۷۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره نسبت بختبر شعبه اول راجع به نمایندگی آقای معتمد استرآبادی و انتخابات استرآباد و تصویب نمایندگی منتخب مزبور	۱۵۸۰	۱۵۸۷
۲	قرائت برگرام کابینه آقای هدایت از طرف آقای رئیس الوزراء و مذاکره در اطراف آن	۱۵۸۷	۱۶۰۱



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۱۴

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: عمادی - اسفندیاری - نظام مافی - سیدابراهیم
 ضیاء - شریعت زاده - حشمتی - حیدری مکرری - نوبخت -
 فرشی - زعیم - افخمی - آبه الله زاده اصفهانی

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس پنجشنبه ۱۱ خرداد را
 آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان: علی خان اعظمی - دکتر مصدق - حاج حسن آقا ملک
دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: شیروانی - محمد ولیخان اسدی - ذوالقدر - دشتی - میرزا محمد تقی بهار - دیوان بیگی
دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: مرتضی قلیخان بیات - عباس میرزا - حاج شیخ بیات
رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟
(گفته شد خیر)
رئیس - صورت مجلس تصویب شد
رئیس - خبر شعبه اول راجع به نماینده استرآباد مطرح است. آقای افسر و آقای زوار مخالف بودند
آقای افسر -
افسر - بنده چون افتخار عضویت فراکسیون استقلال را دارم و تصمیم قطعی راجع به مخالفت در این موضوع نگرفته اند بنا بر این از اظهار مخالفت خودداری نموده و در موقع رأی عقیده خود را عملی خواهم کرد.
رئیس - آقای زوار
زوار - بدون هیچ مقدمه اولاً به عظمت خداوند عالمیان قسم میخورم که این مخالفت من با حب و بغض شخصی هیچ ارتباط نداشته جز اجرای قانون و مراعات قسم قرآن که در پشت این کرسی خطابیه برای حفظ قانون خورده ام مقصودی ندارم و برای حصول این مقصود بعد از فضل خداوند متعال جز بوجدان پاک و عقیده دیناتی نمایندگان محترم اتکالی ندارم برای من هیچ جای شبهه و تردید نیست که سوگند کلام الله مجید همیشه و در هر موقع نصب العین آقایان نمایندگان معظم بوده و برای اینکه شاید از کثرت گرفتاری با مواری ملی و انجام وظیفه مضمون آن در خاطر مبارکشان مانده باشد

اجازه میخواهم بکمرتبه او را قرائت و شروع بطلب نمایم. من که ذیلاً امضا مینمایم خداوند را بشهدان طلبیده.....
کازرونی - این وضع حرف زدن بدست زوار - بنوبه خودت حرف زن
رئیس - آقا با نزاکت بفرمائید
زوار - نمیگذارند عرایض را بکم وظیفه حضرت اشرف است که جلو ببری بفرمائید.
و بقرآن قسم یاد میکنم مادامیکه حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بمن رجوع شده است مهیا امکن یا کمال راستی و درستی و جدو جهند انجام داده و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع مفخم خود صدیق و راستگو باشم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت نمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران - یکی از ارکان این قسمنامه خیانت نکردن بحقوق ملت است که افراد نمایندگان محترم در حفظ آن بکلام الله المجید سوگند یاد فرموده اند. یکی از حقوق حقه ملت در شرع تمدن دنیا و در شریعت غرای خانم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم حقی است که برای تشکیل حکومت شوروی و انتخاب نمایندگی برای ملت مقرر شده و بعقیده بنده هر کس در هر لباس به این حق خیانت بکند بی اعتنائی خود را بدیانت اعلام کرده است. بنده عرض نمیکنم که خدای نکرده انجمن نظار مرکزی استرآباد با اعضاء محترم شعبه اول عامداً و عالماً بملت نجیب استرآباد کم لطفی کردند بلکه عقیده کامل من این است که اشتباه فرمودند و اشتباه برای هر ذی روحی غیر از انبیا و اولیا وارد و مورد ملامت نیست اینک برای رفع اشتباه از اعضاء محترم شعبه اول و برای استحضار خاطر مبارک نمایندگان معظم معظّم که بوجدان پاک و نیت نابناک آنها متکی هستم دلائل و مدارک خود را ارائه و بعرض مبارکشان میرسانم و استدعای بذل توجه و قضاوت عادلانه را مینمایم

مطابق این صورت مجلس رسمی انجمن نظارت مرکزی که بنظر آقایان نمایندگان محترم میرسانم و میتوانست ملاحظه بفرمائید مینویسد: آقای امیر امجد با اکثریت ۹۳۸ رأی به نمایندگی معین شدند و آقای معتضد الاسلام در درجه دوم ۱۷۳ رأی در درجه سوم آقای دکتر عباس خان ۵۶۸ رأی جلسه هفت ساعت از شب گذشته ختم شد جلسه دیگر برای لیل ۱۶ اسفند در مسجد کلشن تشکیل خواهد شد اعضاء انجمن نظار حاج شیخ علی حاج شیخ محمد رضا - علی اکبر - حسنعلی کر - سید عباس - محمد هادی طاهری - الی آخر - صورت مجلس هم اینجا است و آقایان میتوانند فرد فرد ملاحظه بفرمائید مطابق این صورت مجلس رسمی انجمن نظار استرآباد امیر امجد وکیل رسمی استرآباد است مطابق این صورت مجلس هم در تاریخ هجدهم اسفند ماه تلگراف ذیل از حکومت استرآباد میرسد که بعرض میرسانم: (این تلگراف رسمی وزارت داخله است): وزارت تجلیله داخله مطابق راپرت نمره ۱۲۹ انجمن مرکزی شب پانزدهم اسفند آراء بندر جز قرائت من حیث المجموع امیر امجد ۹۲۸ ۴۷۳ معتضد ۴۷۳ رأی داشتند امیر امجد حائز اکثریت گردیدند ۱۷ اسفند نمره ۱۷۲۳ - عمار لوثی حکومت استرآباد.
البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق میفرمائید که صحت انتخاب منتخب تصدیق رسمی انجمن نظار و حکومت محل است و بموجب این صورت مجلس رسمی و این تلگراف رسمی نمره دار حکومت جای هیچ شک و تردیدی برای احدی باقی نمیباشد که آقای معتضد در درجه دوم و آقای امیر امجد در درجه اول هستند و هر عملی بعد از این بشود جز صیغه اخوت با اغراض شخصی و پایمال کردن حق ملت و زیر پا گذاشتن قانون هیچ چیز دیگر نمیشود حمل کرد بعد نمیدانم بچه لحاظ و متکی بکدام يك از مواد قانون و بچه مستند شرعی و عرفی که برای من بکلی مستور است انجمن نظار مرکزی استرآباد پس از ختم انتخابات و اعلان حائز اکثریت با انتخابات بندر جز معترض و مدعی میشود که چون

در موقع انتخابات حکومت آنجا نظامی بوده است آراء بندر جز لغو است رفقا بمن توصیه که کردند که شعر خوانی را در پشت تریبون موقوف کنم
گوش باز و چشم باز و این عمی
حیرت از چشم بندی خدا
در تعقیب ادعا پس از يك سلسله اقدامات مخالف قانون وزیر داخله وقت را نیز بر علیه مواد ۱۰ و ۱۴ قانون انتخابات مجوز کرده مواد راجعه باین موضوع را میخوانم - ماده چهارم اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در بین انتخابات شکایت یا ابرادی راجع به انتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود
ماده چهل و یکم - انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا یک هفته شکایت راجع به انتخابات را می پذیرد پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده در ظرف یک هفته دیگر بشکایات واصله رسیدگی می نماید
ماده چهل و دوم - متشکبان از انتخابات یا انجمن نظارت میتوانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات خود را در ظرف ماه اول بمجلس شورای ملی اظهار نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود شکایات راجعه با انتخاباتی که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل میآید باید در ظرف ماه اول بعد از انحلال انجمن نظارت بمجلس شورای ملی اظهار شود
مطابق ماده چهل و دو انجمن نظارت مرکزی و وزارت داخله هیچگونه صلاحیت نداشته اند که اعلان کنند آراء بندر جز لغو است بواسطه اینکه حکومت نظامی بوده است قانون که چنین حقی را نمیدهد با وجود تلگراف رسمی حکومت استرآباد مبنی بر اینکه در موقع انتخابات اگر حاکم بندر جز نظامی بوده ولی مقررات حکومت نظامی ملغی بوده است با راپرت رئیس تلگراف استرآباد که امیر امجد در بندر جز حائز اکثریت بوده. با مراسله رسمی ارکان حرب کل قشون مورخ سوم ماه هشتم بوزارت داخله که حکومت

در موقع انتخاب بندرجز نظامی نبوده و بعرض آقایان میرسانم مینویسد :

وزارت جنگ . ارکان حرب کل قشون مورخه ۳-۸-۱۳۰۵ رکن دوم . وزارت جلیله داخله در جواب مرقومه نمرة ۱۳۳۰۸ راجع بانتخابات بندرجز زحمت میدهد که برطبق راین واصله از تیب شمال حکومت نظامی بندر مزبور ملغی و در امر انتخابات اینجا نیز بهیچوجه مداخله نشده است از طرف وزیر جنگ کفیل ارکان حرب کل قشون . حبیبالله شیبانی - بانلگرافان اهالی بندرجز بمجلس مقدس شورای ملی و نمایندگان محترم آقای یاسائی و آقای آقایان در صحت انتخابات بندر جز و نبودن حکومت نظامی در موقع انتخابات . که یکی یکی از آنها را برای استحضار بعرض آقایان محترم میرسانم : طهران توسط حضرت آقای یاسائی ساحت مقدس دار الشوری ملی شیدالله ارکانه دو کپیبه فرا کسیون مستقل وزارت جلیله داخله یکی از نتایج مسافرت بنده مشاهدات در امور انتخابات استراپاد است که فوق العاده متاثرم ساخته اغراض بی مورد چند نفر اهل شهر و انجمن نظارت نسبت بنمایندگی آقای آقا خان معززی با اینکه انتخابات مطابق تصدیق به اتفاق همین انجمن در سنه قبل ختم فقط مختصر اشکالاتی راجع به آراء بندر جز بوده است که در نتیجه تجدید رأی متأسفانه موفق نگردیدند حالایی سواد بودن انجمن فرعی بلوک ملک راجع در صورتیکه قطع نظر از اینکه بنده فرداً فرد اهالی بلوک ملک را می شناسم مخصوصاً اعضای انجمن بلوک مزبور را الی آخر بیشتر وقت آقایان را تلف نمیکنم . این امهاری را هم که در تلگرافات متعددی که از بندرجز رسیده رئیس ومدیر پلیس آنجا تصدیق هوبت آنها را میکند که اینها اشخاصی هستند محترم و از اهل محل و تلگرافات آنها بهیچوجه آلوده با اغراض شخصی نیست . آقایان درست توجه بفرمایند انتخابات استراپاد هشت ماه است تمام شده بعد از هشت ماه اعتراض انجمن نظر آراء بندر جز را لغو میکنند برای چه ؟ برای

اینکه حکومت نظامی بوده است . در این باب عملیاتی می شود . از طرف وزارت جلیله جنگ تکذیب می شود ، وزارت داخله رسماً تکذیب میکنند بعد از تمام این چیزها که بعمل می آید آنوقت آراء سابق آنجا از طرف انجمن نظار لغو و از طرف وزارت داخله حکم به تجدید انتخابات آنجا می شود . بنده که والله از گفتن اینها خجالت میکشم . فسانه ها همه خواب آورد فسانه من زدیده خواب ریاید فسانه عجیب است ! آری وزیر داخله وقت در تحت تاثیر متنفذین محترم مرکز و محجوب بودن در خدمت آقای معتصد الاسلام وظیفه وزارتی و قانون را زیر پا کذارده و امر به تجدید انتخابات بندر جز مینماید و از قضا مطابق اوراتی که بنده مطالعه کرده ام عین دستور آقای معتصد الاسلام را (که بخط مبارک خودشان است) هم اجرا کردند مثلاً به محل مثل بندر جز که در هر سال دویت دویت و پنجاه الی سیصد تعرفه بیشتر نمیرفته است مطابق امر کتبی صریح آقا که بخط مبارکشان ترقیم رفته و ملاحظه میفرمائید که چهار هزار تعرفه برای بندر جز معین کرده اند . مرقومه محترم حضرت آقای معتصد الاسلام :

مقام منبع وزارت جلیله داخله

مطابق اطلاعات واصله از استراپاد بمجهات غیر معلومی در تجدید انتخاب بندرجز مسامحه و تملل میشود خواهشمندم در تعقیب احکام سابقه تلگراف مؤکدی بحکومت و انجمن هر دو بخابره شود یا یک ضرب الاجل معین که انتخاب بندر جز را خانه دهند و بطوریکه سابقاً هم تصدیق داده بودم چون بندر جز مرکز انتخابیه بلوک اتران است و بلوک اتران اقلأ بیست هزار جمعیت دارد همان مقدار چهار هزار تعرفه را با یک مدف زیاد نمی اقلأ نه با هفت روز باشد که مردم بتوانند برای شرکت در انتخاب حاضر شوند - حضرت آقا معتقدند مطابق یکی از کاغذ های خودشان که در بندرجز هشت هزار نفر تعرفه بکیر دارد مطابق قانون انتخابات از هر صد هزار نفر بکنفر وکیل

باید انتخاب شود و در این مدت در ایالات و ولایات اینطور بوده است مثلاً شاهرود بکنفر وکیل دارد و در آنجا ده هزار تعرفه توزیع شده : این ده هزار تعرفه برای صد هزار نفر است . اگر درست حساب کنیم و بفرمایش آقا هشت هزار نفر تعرفه بگیرند باید در آنجا هشتصد تعرفه برود دیگر چهار هزار تعرفه چرا ؟ همان هزار نکتة باریکتر زمو این جا است . خدا باز پدر حکومت آنجا را بیامرزد که بیش از دو هزار تعرفه نفرستاده است و اهالی آنجا بیش از دو هزار تعرفه نگرفتند و قبول نکرده اند بالاخره چه درد سر بدیم انتخابات در بندر جز تجدید معذک در اکثریت امیر امجد مؤثر واقع نمی شود . انجمن نظار میبیند بعد از دو ماه رفت یک کاری بکنند نشد ، گفت حکومت نظامی است بالاخره رسماً تکذیب شد ، که انجمن نظار هم از تصدیق ناگزیر میشود دیدند مقصود حاصل نمیشود ، حالا چه باید کرد ؟ می چسبند به آراء بلسوک ملک و به آراء آنجا اعتراض میکنند ، این اعتراض وقتی است که آراء بلوک ملک کاملاً خوانده شده و آراء کلیه بلوک استراپاد هم خوانده شده است و مطابق تلگراف صریح وزارت داخله اکثریت امیر امجد معلوم شده است . باری می چسبند به بخت بیچاره انجمن نظار بلوک ملک که سه نفر از اعضاء بی سواد بوده اند . خیلی خوب اولاً باید تصدیق کرد که این مسئله سابقه هم دارد و در چندین دوسیه بنده دیدم که بعضی از اعضاء انجمن بی سواد بودند و تصویب شد و بعلاوه رأی سه نفر در نه نفر مؤثر نیست

کلزونی - هفت نفر بی سواد بوده اند .

زوار - آقای کلزونی آزاد بخواه اجازه بفرمائید ، از روی چه مدرکی میفرمائید ؟ به نوبه خودتان حرف بزنید وقتی که تشریف آوردید اینجا فرمایشات خودتان را بکنید . انجمن نظار بلوک ملک برای حفظ حیثیات خودشان از اهالی استمداد کردند و گفتند ما سواد داریم بیائید امتحان کنید (جای حضرت آقای وزیر معارف خالی بود)

مجلس امتحان تشکیلی میدهند و آنها امتحان میدهند و بری میگردند (خنده نمایندگان) تلگرافات متعددی هم به امضاء اهالی آنجا مرکز میکنند که آقایان میتوانند آن تلگرافات را رسیدگی کنند که تصدیق میکنند که ما سواد داشته ایم و انجمن نظارت آنجا هیچ بی سواد نداشته است و رئیس انجمن مرکزی کاوس تمام امهاری آنها را تصدیق میکند حتی آقا محمد علی که یکی از معروفین آنجا است امهاری آقا شیخ محمد علی و آقا علی و علی محمد خان و صفر علی خان را تصدیق میکند . بالاخره اینجا هم موفق نمیشوند یعنی نمیتوانند بگویند که اعضاء انجمن بی سواد بوده اند معذک کلیه انجمن مقدس نظارت مرکزی استراپاد از کلیه آراء امیر امجد بعد از هشت ماه ۵۵۴ رأی کسر و آقای معتصد الاسلام نماینده حقیقی استراپاد تشخیص داده و به مرکز معرفی مینماید . این معرفی بعد از هشت ماه است که امیر امجد را معرفی کرده است . حکومت استراپاد هم با قید اینکه چون ۵۵۴ رأی از آراء امیر امجد کسر کرده اند و آقای معتصد الاسلام نماینده شده اند تلگرافاً بوزارت داخله اطلاع میدهد وزارت داخله تعجب می کند که چطور شده است که هشت ماه قبل یکی دیگر را معرفی میکنند و حالا بکنفر دیگر را و حال آنکه در این مدت اعتراضات هم بیمورد است فوراً اصل قضیه را تلگرافاً (که تلگرافش اینجا است) از آقای حکمران استراپاد سؤال میکند که فوراً اصل قضیه را بگوئید حکومت استراپاد هم در جواب این تلگراف را بوزارت داخله بخابره می کند : وزارت داخله سکوت در اظهار نظریه بدو . بمناسبت عدم مسئولیت راجع بانتخابات بلوک ملک که متجاوز از یک سال قبل در زمان حکومت آقای میرزا حسن خان رئیس تمام و قرائت شده است بود بهمین جهت در تلگراف نمرة ۴۰ حسب الوطیفه فقط بنقل نظریه انجمن قناعت کردم پس از رسیدن امر تلگرافی نمرة ۱۵۶۴۳ مورخه سوم فروردین که کپیبه به انجمن هم داشت در صورتیکه قبلاً

هم میبوسم، مرحمت آقایان زیاد.

احتشام زاده (مخبر شعبه) - قبل از اینکه نماینده محترم اعتراضات خودشان را نسبت به انتخابات استرآباد بیان کنند يك شرحی راجع به علاقه که بحفظ نظامات و اجرای قوانین دارند و مخصوصاً علاقه که بر رعایت قسم نامه داشتند بیان فرمودند. بنده تصور میکنم این قسمت اختصاص به شخص ایشان نداشته باشد و همه آقایان علاقه مندند که برخلاف قسم نامه عمل نکنند و رفتار نکنند. و بعد هم فرمودند ممکن است اعضاء انجمن در مرحله اولیه و بعد اعضاء شعبه در قضاوت که کرده اند اشتباه کرده باشند. بنده خیال میکنم اگر چنین تصویری را بشود کرد فقط نسبت به شخص ایشان احتمال اشتباه برود یعنی ممکن است ایشان اشتباه کرده باشند...

زوار - دوسیه حکم است

مخبر - بنده هم از روی دوسیه و دلائلی که دارد فرمایشات و اعتراضاتی که فرمودند جواب عرض میکنم به استناد صورت مجلس آقای نماینده محترم فرمودند که امیر امجد حائز اکثریت شده است. بنده خودم هم تردید ندارم در موقعی عده آرائی که به اسم ایشان بود زیاد تر بود یعنی چهار هزار و نهصد رأی بود ولی باید دید قبل از يك هفته که بر طبق قانون شکایات باید برسد و يك هفته هم انجمن رسیدگی کند به شکایات آیا میشود معلوم کرد که کی حائز اکثریت است؟ خیر نمیشود چرا؟ برای اینکه ممکن است در موقعی که آراء قرائت می شود يك کسی حائز اکثریت باشد ولی وقتی که به شکایات وارد رسیدگی شده معلوم میشود که بکدام از اوراق آرائی که به اسم آن شخص در صندوق ریخته اند مطابق قانون باطل بوده و این شخص نماینده نبوده است فرمودند که هشت ماه فاصله شده است بین انتخابات بندر جز و انتخابات استرآباد. بنده تصدیق میکنم که هشت ماه فاصله شده است، این فاصله برای چه بوده است؟ در موقعی که آراء حوزه های فرعی را آوردند به استرآباد

و مشغول قرائت شده اند شکایاتی واصل شده راجع به انتخابات بندر جز و معلوم شده که حکومت آنجا در موقعیکه انتخابات در جریان بوده است نظامی بوده است و علاوه بر اینکه حکومت نظامی بوده است پنجروز از طرف انجمن مرکزی معلوم شده بود برای توزیع تعرفه در بندر جز و انجمن فرعی آمده است سه روز علاه کرده است بر مدت اخذ رأی یعنی هشت روز اخذ رأی نموده است اما اینکه فرمودند بندر جز حکومتش نظامی نبوده است و مستندشان هم يك مراسله بود که از طرف ارکان حرب کل قشون نوشته اند. عرض میکنم اگر چنانچه آقایان بخاطر داشته باشند سال قبل در استرآباد در حدود بندر جز بواسطه جریاناتی که پیش آمده بود حکومت نظامی بود و بایستی الغاء حکومت نظامی ثابت شود که بگوئیم حکومت نظامی نبوده است زیر که اولاً حاکم که نظامی بوده است و بعد هم بایستی حکومت رسماً و کتباً اعلان کند به حوزه حکومتی که حکومت نظامی ملغی شده است، این کار را که نکرده است حاکم نظامی بندر جز فقط یکمده را دعوت کرده است و به آنها گفته است که بلی حکومت نظامی هم ملغی است در صورتی که اهالی حکومت را نظامی میدانند و همین جهت هم شرکت نکرده اند در انتخابات یعنی خودشان را آزاد نمیدانستند و مداخله نکرده اند. در موقعیکه این شکایات به انجمن مرکزی واصل شد حکومت هم که بر طبق قانون انتخابات حق نظارت دارد و همانطور که انجمن مسؤول است حکومت هم نظارت دارد آمده اند در مدت مقرر رأی گرفته اند که آراء آنجا باطل است و بایستی تجدید شود و بعد از اینکه این قضیه را مراجعه میدهند به وزارت داخله و میگویند حکومت نظامی بوده است وزارت داخله جواب میدهد در صورتیکه حکومت نظامی بوده است و مقررات حکومت نظامی ملغی نشده بوده البته باید انتخابات آنجا تجدید شود تردیدی نیست و این حکم البته صحیح است و هیچیک از آقایان هم در این قسمت

تردید ندارند که هرگاه آراء حوزه انتخاباتیه برخلاف اصول قانون انتخابات باشد باید تجدید گردد و انتخابات آنجا بطور صحیح خاتمه پیدا کند. و علت اینکه انتخابات بندر جز طول کشید این بود که حکومت استرآباد آمده بود طهران و برای کارهای لازمی احضارش کرده بودند و در مراجعت او تاخیر شد و خیال میکردند که ایشان دو روز دیگر، چهار روز دیگر خواهد رفت و کار انتخابات البته باید تحت نظر حکومت باشد و حکومتی هم که تا آن تاریخ در بندر جز برقرار بود حکومت نظامی بوده و منتظر بودند که از طرف وزارتینك اعلام شود که حکومت نظامی بندر جز ملغی است که انتخابات آنجا تجدید شود و همین مسئله دلیل است بر این که در مرحله اولیه در بندر جز موقعی که انتخابات جریان داشته است حکومت نظامی بوده است و بالاخره خود وزارت داخله هم بموجب يك مراسله که رسماً مینویسد و در دوسیه هست مینویسد: که حکومت نظامی در بندر جز برقرار بوده و خیال میکنم هیچ تردیدی در این باب نباشد. نماینده محترم فرمودند که در دفعه اول عده آرائی که در بندر جز اخذ شده است دویست و پنجاه و شصت نا بوده است و بعد عده آراء رسیده است به دو هزار و خرده. عرض میکنم که خود این مسئله دلیل است بر این که در مرحله اولیه در بندر جز انتخابات بطور آزادی جریان نداشته است و مخصوصاً اهالی برای اینکه میدانستند حکومت نظامی بوده است مداخله نکرده اند و الا هیچ تصور نمی شود کرد که يك بلوک ازان که مرکز حوزه انتخاباتیه اش بندر جز است و در حدود بیست و پنج هزار نفر جمعیت دارد فقط دویست و پنجاه تعرفه گرفته است البته باید تقاضا کنند که مقدار کافی تعرفه فرستاده شود و مدت اخذ رأی را هم بقدری زیاد کنند که اهالی بتوانند شرکت کنند و اگر چنانچه آقای معتمد خودشان تقاضائی کرده باشند هیچ قانونی نیست که يك کاندیدائی را منع

کند که نسبت به جریان انتخابات در حدود قانون تقاضائی کند، البته هر کاندیدائی حق دارد که تقاضا کند که در فلان حوزه انتخابیه مثلاً چون جمعیتش زیاد است باید بقدر کافی تعرفه بفرستید یا بقدر کافی مدت اخذ و توزیع تعرفه را امتداد دهید. پس این آزادی نیست که با آقای معتضد گرفته شود که شما چرا تقاضا کردید که بقدر کفایت تعرفه بفرستید. پس اعتراضاتی که آقای نماینده محترم راجع بانخابات بندر جز فرمودند با عرایضی که کردم خیال نمیکنم که آن اعتراضات هیچ وارد باشد یعنی معلوم می شود که انتخابات بندر جز در مرحله اولیه در موقعی بوده است که حکومت نظامی بوده است و باید در يك موقعی باشد که حکومت نظامی نباشد بطوریکه عمل هم اینطور بوده است و مجلس هم تصدیق کرده است. يك قسمت از اعتراضاتشان مربوط بود به آراء حوزه ملك در موقعی که انجمن بر طبق قانون يك هفته تعیین کرد برای وصول شکایات و يك هفته هم برای رسیدگی بشکایات. شکایات متوالی رسیده است با اسناد که آراء حوزه ملك با تطبیع تهیه شده است یعنی پول هائی داده شده است و معلم و مفتش انتخابات یعنی نماینده انجمن نظار که رفته است آنجا کاملاً قضیه را تصدیق کرده و در دوسیه هم هست. حکومت وقت هم تصدیق کرده است که در آراء حوزه ملك يك جریانات سوئی بوده است و از همه مهمتر این است که اعضاء حوزه ملك که نه نفر بوده اند هفت نفرشان بی سواد بوده اند. فرمودند که امتحان شده اند. در صورتیکه در صورت مجلس خود آقای امیر امجد مینویسد که داشتن سواد در اعضاء انجمن های فرعی شرط نیست این اظهار را خود ایشان میکنند و در صورت مجلس هم اعضاء کرده اند پس معلوم میشود که هفت نفر از اعضاء حوزه ملك بی سواد بوده اند و يك اشکال دیگری هم که نسبت به آراء حوزه ملك هست این است که مطابق یکی از مواد قانون انتخابات

(گویا ماده ۲۶ است) که میگوید: در موقعیکه شروع میکنند به اخذ رأی باید خالی بودن صندوق را در حضور تماشاچیها ارائه بدهند در صورتیکه در حوزه ملك اینطور نشده است. صندوق را در استراباد بسته اند و مهر کرده اند و به انجمن ملك فرستاده اند که وقتی رأی را آوردند ریختند بدون اینکه صندوق را باز کنند و ارائه بدهند خالی بودنش را درش را بسته و آراء را ریخته اند توی صندوق. به این دلایل که عرض کردم و انجمن هم البته مسؤلیت در اجرای قانون دارد رأی داده است به اینکه آراء حوزه ملك باطل و کان لم بکن است. و وقتی که آراء حوزه ملك از آراء امیر امجد کسر شود ایشان میروند در درجه دوم و در درجه اول آقای معتضد نمایندگی را اشغال میکنند. يك مسئله بهم دیگری هم که هست و ناچارم به عرض آقایان رسانم این است که آقای امیر امجد بر علیه حکومت ملی قیام کرده اند و دلیل اینکه ایشان بر علیه حکومت ملی قیام کرده اند چون ممکن است خیلی حرف زده شود البته تا يك دلایلی برای اثبات يك دعوائی نباشد نباید اظهار کرد. بهترین دلیل این است که انجمن نظار مینویسد: که آقای امیر امجد در رکاب محمد علی میرزا در موقعی که هجوم کرده است بایران در رکاب او بوده است و بر علیه حکومت ملی قیام کرده است و خود ایشان هم ذیل همان صورت مجلس را امضاء میکنند و راجع بابطال آراء ملك و بندر جز اعتراض میکنند ولی این قضیه را بقدری مسلم پنداشته است که نسبت باین قضیه ساکت بوده و این سکوت ایشان در قراریکه انجمن داده است و ایشان را محروم کرده است بهترین دلیل است. با این تفصیل بنده گمان نمیکنم نسبت به نمایندگی آقای معتضد هیچ تردیدی باشد. اما اینکه در خانه فرمایشاتشان فرمودند که وزارت داخله امر کرده است بحکومت استراباد که اعتبار نامه باسم آقای معتضد صادر کند و بفرستد همین طور است بلی و تردید ندارم و این طور بوده است چرا؟ برای اینکه انجمن نظارت

سرکاری معرفی کرده است آقای معتضد الاسلام را بوزارت داخله که ایشان حائز اکثریت استراباد هستند وزارت داخله هم بر طبق فلکراف انجمن نظار جواب میدهد که باید اعتبار نامه صادر کنید

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زوار - بنده حق توضیح دارم، اجازه میفرمائید؟

رئیس - خیر.

یاسائی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید

یاسائی - چندی قبل اگر نظر نمایندگان محترم باشد

در اظهارات قبیل از دستور جریان انتخابات استراباد را نا آروز بعرض آقایان رساندم خواهشمندم آقایان اجازه بدهند که شرح قضایا را از آروز ببعدم عرض کنم که آقایان قضاوت کنند.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. تقاضای رأی مخفی شده است

(بشرح ذیل خوانده شد)

ما امضا کنندگان ذیل راجع باعتبار نامه معتضد الاسلام تقاضای رأی مخفی با مهره میمائیم. اسدالله زوار و بازده نفر دیگر.

یک نفر از نمایندگان - سایر امضا هارا بخوانید.

(بنحو آتی خوانده شد)

عبد الباقی جمشیدی - سید حسین آقایان - محمد آخوند

حسن علوی - دکتر سنک - عمادی - شریعت زاده -

یاسائی - صادق خواجوی - دکتر لقمان - افسر -

کازرونی - این که دوازده نفر بیشتر نبود.

یک نفر از نمایندگان - بقیه لا بقره است.

رئیس - آقا زاده سبزواری - انجمنی و امین التجار

تربتی است. رأی می گیریم با مهره. آقایانیکه تصویب میکنند نمایندگی آقای معتضد را مهره سفید خواهند داد و الا مهره های سیاه.

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

مهره تقنینیه ۱۰۱

مهره سفید علامت قبول ۶۰

مهره سیاه علامت رد ۳۷

رئیس - عده حضار ۱۰۷ با ۶۰ رأی تصویب شد

بعضی از نمایندگان - تنفس.

رئیس - چون عده هم کافی نیست چند دقیقه تنفس

داده می شود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس الوزراء کل امر ذی بال لم یبدء به بسم الله فهو ابر. البته نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود

که در مملکت ما احتیاج به اصلاحات کونا کون

بقدری زیاد است که هر قدر دولتی در تهیه برگزاری

مطالعه نموده و در تشخیص اقداماتی که برای نیل به

مقصود لازم میدانند اطراف را ملاحظه کنند باز هم آن

برگرم کافی برای رفع احتیاجات حقیقی مملکت نخواهد

بود. پس میتوان گفت که برگزاری حقیقی عملی تأمین

احتیاجات اجتماعی و ملی مملکت است که بر حسب

مقتضیات زمان و با مهیا شدن وسائل کار باید بوسیله

وحدت نظر و اشتراك مساعی نمایندگان محترم و دولت

بموقع اجرا گذاشته شود. (نمایندگان صحیح است)

(بنده خیلی میل دارم که طرز دیگر بیان کنم و بخواهم

رلی متأسفانه چشم و عینک بنده اینطور حکم میکند

که باید بکفتری بیفتم روی کاغذ) پوشیده نیست که در

نحت تأثیر اقدامات و اصلاحات اساسی که در ظرف

سنوات اخیره بعمل آمده است حسن تجدد و اصلاح

خواهی در مملکت بیدار و در جریان حیات اجتماعی و

اداری ما جنبش و حرکت قائم مقام وقفه و خودمقابل گردیده است. البته این موقعیت هر دولتی را ملزم می نماید که اصلاحات شروع شده را تعقیب و در تکمیل و بسط دایره آنها از بذل هر گونه مساعی دریغ ننماید. مصادر امور مملکت مکلف میباشند هم خود را صرف تجدید حیات ملی نمایند و البته هیچ حادثه و پیش آمد داخلی و خارجی دولت را از صرف تمام قوای مملکتی برای انجام اصلاحات داخلی که خط مشی دولت است منحرف نخواهد نمود. نظر به اینکه یکی از شرائط اساسی در نیل به اصلاحات مراعات اصول تعقیب و تثبیت اصلاحات شروع شده است و چون دولت سابق در برگرام خود که به تصویب مجلس شورای ملی هم رسیده است يك رشته اصلاحات ضروری مملکت را در نظر گرفته بود و چون خود اینجانب و اغلب اعضای دولت در کابینه سابق و اجرای برگرام آن شرکت داشته‌ام و همکاران جدید ما نیز کاملاً در این عقیده شریک هستند لهذا برگرام این دولت همان برگرام دولت سابق خواهد بود که باید تعقیب و تکمیل شود ولی در همان حال چنانکه فوقاً اشاره شد خط مشی و عمل دولت همیشه مبنی بر این خواهد بود که در هر موقع مسائلی که مقتضیات زمان و ترقی و تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی در درجه اول اهمیت و فوریت قرار میدهد آنرا مطمئن نظر قرارداد و اقدامات لازمه را فوراً برای انجام آن بنماید، البته آقایان اجازه خواهند فرمود که دولت از بذل مساعدت کامل نمایندگان محترم در وصول باین مقصود اطمینان داشته باشد. یکی از مسائل فوق العاده مهمی که در پیش است تکمیل موجبات الغاء حقوق ممتاز و قضاوت قونسولی است (کابینتولاسیون) که بر حسب امر و اراده اعلیحضرت همایونی دولت سابق مقدمات آنرا فراهم و اعلان فسخ عهدی را که دارای این قیود بودند از تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶ بدول متعاقد ابلاغ نمودند. محتاج بذکر نیست که دولت حاضر نیز با انکاء مساعدت

کامل مجلس شورای ملی خود را با تمام قوا عهده دار تکمیل و انجام این نیک مقدس ملوکانه و این مرام ملی خواهد نمود. مسئله دیگری که بواسطه بحران اقتصادی مملکت عموماً و ولایات شمالي بالخصوص توجه عمومی را بخود جلب نموده است پیدا کردن طرق رضایت بخش مبادلات تجارنی مابین ایران و اتحاد جماهیر شوروی است و اگر چه اوضاع اقتصادی مزبور و خسارات طاقت فرسائی برای تجار و مالکین و زارعین تولید نموده و بالتبجه برای بهبودی اوضاع اقتصادی لزوم بستن سرحدات و معامله متقابل یکی از افکار شایعه گردیده است ولی چنانکه نمایندگان محترم اطلاع دارند از مدتی به این طرف دولت ایران حسن نیت خود را در نیل به پیدا کردن طرق عملی و فرستادن مأمورین عالی مقام برای مذاکره به مسکو ابراز نموده است و اخیراً هم وزیر امور خارجه مأمور ادامه مذاکرات میباشد و امیدواری میبرد که همسایه شمالی در ابراز حسن نیت خود که کاراً نسبت به مملکت ایران خاطر نشان کرده است تسریع نموده و انجام تقاضاهای دولت را که مبنی بر احتیاجات عمومی است حسن استقبال نمایند بهمین ملاحظه است که دولت با اطلاع بسختی اوضاع اقتصادی و پریشانی حال مردم بامید اینکه قضا با برافت و موافقت ختم شود برد باری و تحمل سختی‌ها را توصیه و درخواست مینماید در قسمت اصلاحات داخلی و تعقیب تکمیل عملیاتی که شروع شده است و با باید برای ترقی و تجدد ایران شروع و مجری گردد از طرف دولت جدید وانی بعمل خواهد آمد و یکی از چیزهایی که توجه مخصوص دولت را جلب میکند اصلاح طرز فعلی مالیاتها است و لایحه اصلاحی این قسمت مهم در آتیه نزدیک تقدیم خواهد شد. دولت اعلیحضرت شاهنشاهی امیدوار است که در تمام مسائل معروضه که عمل با آنها خط مشی کابینه حاضر است از طرف نمایندگان محترم تشویق کامل بعمل خواهد آمد البته تصدیق خواهند فرمود که بهترین وسیله رسیدن

بمقصود یعنی سوق مملکت بطرف ترقی و تجدد و حدت نظر و اعتماد بین اعضاء قوه مجریه و قوه مقننه است علی الخصوص که اوضاع کنونی دنیا این حس اعتماد و وحدت نظراً بیشتر الزام و ایجاب مینماید...

آقا سید یعقوب - کنترت دکتر میلسیو چه شد؟
رئیس الوزرا - بلی کنترت دکتر میلسیو يك امر جزئی مملکتی است و ما این جا امور کلی مملکتی را بیان کردیم معیناً برای اینکه در خاطر نمایندگان محترم يك چیزی نباشد عرض میکنم که دولت حاضره بانه جدید کنترت میلسیو با يك اصلاحاتی که تجربه منمادی لازم کرده است آن اصلاحات را موافق است ولی بنده شخصاً هنوز وارد و مصدق آنها نشده‌ام پس نمیدانم البته اصلاحات لازمه را میکنیم و به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم...

کازرونی - چه اصلاحی؟

وزار - اصلاحات اساسی.

رئیس الوزراء - چه اصلاحاتی را نمیدانم. ولی عرض کردم شخصاً وارد نشده‌ام.

رئیس - جمعی از آقایان اجازه خواسته اند امروز در این قضا با مذاکره میشود یا جلسه دیگر؟

دادگر - همانند برای جلسه بعد.

شیروانی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

شیروانی - بنده تصور میکنم برگرام دولت فعلی خیلی محتاج به امتداد مذاکرات نباشد زیرا اغلب مواد آن عین برگرامی است که مجلس شورای ملی رأی داده است و یکی دوسه ماده مهم هم که دارد امروز درش بحث میشود در بعضی چیزها که لازم است امروز یکساعت صحبت میکنیم و اگر کارهای مملکت را ما بجزریان بیندازیم گمان میکنم اولی و احسن باشد.

رئیس - مخالفی ندارد؟

کازرونی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

کازرونی - عرض میکنم برگرام دولت (بنده روی نظریات خودم عرض میکنم) گمان نمیکنم مخالفی داشته باشد. لیکن این حق را نمیشود از مجلس سلب کرد بایستی در اطراف برگرام دولت بحث شود و بالاخره رأی هم داده شود به این اندازه هم کار را سبک و کوچک نباید گرفت کارها هم بجزریات طبیعی خودش بقی است هیچ مانعی ندارد که در جلسه آتیه مطرح شود. رأی هم میدهم بخیر و سلامتی انشاء الله.

وزیر عدلیه - اگر آقایان توجه فرموده باشند بیاناتی که اینجا اظهار شد از طرف آقای رئیس الوزراء بالاخره صورت برگرام را بطور معمول نداشت. یعنی ماده به ماده نوشته نشده بود. اظهاراتی بود راجع به خط مشی دولت و در حقیقت يك اظهارات مفصلی بود از برای اینکه گفته شود که اساساً دولت فعلی همان برگرام دولت سابق را تعقیب میکند. و فقط به بعضی مسائل که يك اهمیت خاصی داشت يك اشاره به آنها شده. اصل مقصود از این ترتیب این بوده است که آقایان عموماً تصدیق دارند که انسان هر چه قدر وقت خود را صرف کار کند و کمتر صحبت کند البته بهتر است. اصولاً وقتیکه دولت سابق برگرام خودشرا آورد يك موادی طرح شد و مذاکره شد و بالاخره يك رویه را بدست دولتها داد و ناوقت که يك دولتی نباید و یکمواد تازه را نیارورد بنده تصور میکنم جا ندارد که دو مرتبه برگردیم سر آن مواد. و ما محض آنکه اتلاف وقت نشود خیال کردیم که پیروی کردن خط مشی دولت سابق و همان موادی که مجلس رأی داده است بهتر باشد. به این ملاحظاتی این بیانات را آقای رئیس الوزراء فرمودند حالا هم اگر آقایان موافقت نمایند که این مسئله در اطرافش يك مذاکرانی بطور کلیات بعمل آید و راجع به این نظریه صحبت کنند ضرری ندارد ولی باید وقت مجلس

را تلف نکرد و باید زودتر برویم سر یک کارها و لواج مفیده که ضرورت دارد و بایستی زودتر از نظر مجلس شورای ملی بگذرد.

رئیس -- هیئت دولت هم مایل است که امروز مذاکره بشود؟

وزیر عدلیه و وزیر مالیه - بلی

رئیس -- خوب طرفین مذاکره کردند باید رأی بگیریم. آقایانی که موافقند امروز مذاکره بشود قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در اینجا مطابق چیزیکه به مقام ریاست تقدیم کردم خودم بارفقای خودم که عبارت از اعضاء فراکسیون محترم ترقی باشند نمایل خودمان را نسبت بشخص آقای رئیس الوزراء اظهار کردم و در آنجا هم اظهار کردم که نسبت باعضاء کابینه مافعالاً اظهار نظریه نمی کنیم و همانطور وقتی که اعتماد بهشان اظهار کردیم کابینه هم که وارد شد و آمد لابد در مقام عمل جلب نظریات و جلب مساعدت نامه ما را خواهد کرد. یعنی چون آن روز بر ما معلوم نبود که اعضاء کابینه کی ها خواهند بود و بچه ترتیب معین میشود برای اینکه آقای رئیس الوزراء با ما مشورت نکردند سابقه هم شاید نداشته یا در مالک دیگر شاید داشته باشد که رئیس الوزراء احزاب پارلمانی را جمع میکنند و با آنها در انتخاب اعضاء کابینه خودش یک شورهایی میکنند ولی تا ما مملکت را باین جریان بیندازیم و تا قدمهایی برداریم و حکومت دموکراسی را در مملکت قائم و برقرار کنیم البته مسلم است مدتی وقت لازم داریم و زمان لازم داریم ولی اجلاً آقای رئیس الوزراء و این وزرائی که فعلاً در کابینه ایشان هستند و تشریف آورده اند انشاء الله در مقام عمل قدمهایی بر می دارند و جلب نظریات ما

آقایان غالباً جغرافیا را میدانند اگر چه آقایانی که بفرنگ رفته اند جغرافیای آن جا را بهتر میدانند ولی جغرافیای ایران را اگر ما خوب در نظر بگیریم از دریای مازندران تا دریای بوشهر و از پنجوبین تا جلغا یعنی طول و عرض ایران را در نظر بگیریم این خاک باین وسعت این همه جمعیت این همه ترتیباتی که هست ما که هنوز بقوانین قضائیه مان بسط نداده ایم و قوانین ما همچو حکم فرما نشده است که هر کس دزد ها، غارت گران، اشرار از آنها بترسند مأمورین مالیه ما آدم می کشند چرا؟ چون قوانین قضائی ما کاملاً حکم فرما نشده است. باید انقدر ما قوه قضائیه و تأمینیه در مملکت مان منبسط باشد، انقدر ژاندارم باید داشته باشیم که کاملاً بتوانند در هر نقطه حفظ جان و مال مردم را بکنند. در دو ماه قبل بنده یشت همین تریبون از وزیر داخله وقت سؤال کردم که شکرالله خان بوزیر احمدی نامیر غلام حمله کرده اند به سی وند و سی وند را خراب کرده اند و جماعتی را کشته اند بعد که تحقیق شد گفتند که چون امنیه ما کم بوده است.

سؤال کردیم که آیا دولت هیچ در این مقام بوده است که برای توسعه امنیه یک فکری بکنند؟ هیچ نگفتند. این آقای وزیر داخله هم گمان نمی کنم مستحضر باشند که عدّه امنیه ما الان در این مملکت چقدر است. اینها بفرمایش آقای شیروانی که غالباً می فرمایند رقم رقم است. باید به نشینیم و حساب کنیم و به بینیم این مملکت ما باین وسعتی که دارد چقدر امنیه لازم دارد؟ اقل قلیل و ده یک آن مقدار لازم را هم ما قبول می کنیم که در این مملکت امنیه تولید و ایجاد بشود. دو ساعت پیش بود که این جناب آقای دشتی اظهار می کردند که ما تشکیلات وزارت داخله را لازم نداریم و محتاج نیستیم صحیح هم فرمودند. چیزی را که ما لازم داریم خیلی هم طرف احتیاج ما است امنیه است و نظمیّه. ولی وقتیکه با امنیه میرسیم

رقش سفر است ولی در وزارت داخله پنجاه و پنج نفر منتظر خدمت برای ابالت و حکومت است. ما چهار ایالت بیشتر که نداریم ولی بیست و پنج نفر منتظر خدمت ایالت هست چهل و پنج نفر منتظر خدمت حکومت. این راجع بآن همچنین مدیرکل و این قبیل الفاظی که مکرر در فصول بودجه تحت نظر ما بوده است این یکی از نظریات بنده بوده است با اینکه آقای رئیس الوزراء هم ایالت فارس تشریف برده اند هم ایالت آذربایجان تشریف برده اند در مرکز هم بوده اند کاملاً از احوال ایران مستحضرند عقیده بنده این بود که یکی از مواد پرگرام عملی این رئیس الوزراء جدی (که بعقیده بنده خیلی جدی است) آروز هم خودش می گفت که من صراحت قول دارم و خیلی جدی هستم) مسئله بسط قوه تأمینیه باشد از این بودجهای گراف از این چیزهاییکه بر میدارند و می نویسند: معاون فلان و فلان بردارند و امنیه درست کنند و جان و مال رعیت را حفظ کنند وقتی که جان و مال رعیت حفظ شد خودش ترقی میکند تجارت ترقی میکند، زراعت ترقی میکند، صنایع ترقی میکند، ولی تا حالا دولتی که توجهش به تأمین داخلی باشد کمتر آمده است بنده نمی گویم نیامده است ولی کمتر متوجه بوده اند بآن. با اینکه همه آقایان تحصیل کرده اند میدانند که ملت از دولت تأمین جانی و مالی میخواهد شما تأمین جانی و مالی باو بدهید خودش معارف را ترقی میدهد، صنعت را ترقی میدهد، کشف معدن میکند، تمام ملل راقیه دنیا در تحت عنوان این کله بیک مقامی رسیده اند. تأمین جانی و تأمین مالی، تأمین جانی بوسیله قوه تأمینیه و تأمین مالی بوسیله قوه قضائیه. در هر ملتی که این کله پیدا شد آن ملت ترقی کرد. ترقی هرملتی در این است خصوص ملت ایران که بعقیده بنده ملت حول و بارکش و مظلومی است. این ملت مظلوم را بهشان امنیت بدهید و قوای تأمینیه را بسط بدهید. بنده هم که در موقع بودجه ها مته بخشش میگذارم نسبت ببودجه امنیه و نظمیّه بی مطالعه (یعنی با مطالعه)

بیشتر خوب بود بیان می فرمودند که چه شده است این؟ مدتی است که آقای انصاری تشریف برده اند شش هزار تومان هم گرفته اند بنا بود بازده روزه عملیات خودشان را اطلاع بدهند بازده روز گذشت هم روز گذشت، دو ماه گذشت و بالاخره چیزی نشد باز آقای رئیس الوزراء مسئله را بطور دیپلماتی فرمودند و نتوانستند بگویند که چه کرده اند و بچه جایی رسیده است بهمان ترتیب است که مال مردم مال خودم مال خودم هم مال خودم؟ يك فکری برای ولایات شمالی بکنید. این هم يك موضوعی بود که می خواستم عرض کنم ولی ایشان شرحی بر سبیل کلیات فرمودند ولی بنده چیزی نفهمیدم شاید مقتضی ندیدند که شرح و تفصیل بدهند. اینهم یکی و بنده در نظر داشتم که با آقای رئیس الوزراء یا کفیل وزارت امور خارجه یا هر کسی که در این باب مناسب است و مصلحت میدانند يك شرح اوضح و مفصلي بدهند. آخر این مردمی که در ولایات هستند چه بکنند؟ در این مسئله خود دولت مسلم است طرف بوده است ماهام همه طرف حمله و طرف داد و فریاد و استغاثه مردم مازندران گیلان و آذر بایجان و خراسان هستیم. بلکه سرایت این امر بطرف جنوب هم شده است.

چو عضوی بدر آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

وقتی که در ابالات شمالی يك تأثیری واقع شود در ابالات جنوبی هم البته تأثیر می کند. همانطور که شمال در حال وقفه است در جنوب هم تأثیر میکند. این هم يك مسئله بود که بنده عقیده ام این است که بیش از این باید توضیح داده شود. نکته دیگر که بنده خواستم بگویم و اول هم عرض کردم راجع به تجدید کنترات میسیون آمریکائی است و عقیده ام در این باب بقدری جدی است که اگر در مجلس نبود و از مقام ریاست نمی ترسیدم با آقای رئیس الوزراء در همین جا عرض میکردم که يك مسئله را با آن علاقه مندی بنده و دیگران باید بیشتر

که در کمیسیون بودجه میکنم) فوراً رای میدهم اما در جای دیگر اگر رای میدهم شاید برای احترام آقای حاج مخبر السلطنه باشد والا رای نمیدهم چرا؟ برای اینکه اساساً ایجاد دوائر وسیعه (که بر حسب نظر کردن بممالک متمدنه ما هم میخواهیم منظور کنیم و بسط بدهیم) غلط است و مکرر عرض کرده ام که ما نمیتوانیم به بر آن دولی که اینکار را می کنند بپریم. نه خیر. ما قدم بقدم از اول باید تأمین بدهیم مردم وقتی مردم تأمین یافتند همه چیزشان ترقی میکند. پس در این باب در مشی عملی دولت هیچ اظهاری نشده است. آقا بنده خودم از اهل شیراز هستم از اهل دهان شیرازم ابالات فارس را میدانم این ابالات قوه نمایندیه نمیدخواهد؟ حالا جای دیگر را صحبت نمیکنم دهان را بهتر میدانم اگر چه تمام ولایات را رفتم و گردش کردم با بچنگ مستبدین رفتم با افراد رفتم بهر حال رفتم و دیدم قوه نمایندیه در مملکت ما کم است این یکی از موادی باید باشد که در نظر دولت باشد. یکی از آن مواد هم که بر سبیل کلیات فرمودند و خیلی میل داشتم که آقای هدایت که در کابینه سابق هم بوده اند حالا هم رئیس الوزراء هستند این را بفرمایند تا همه مسبق بشویم. راجع بمسئله روابط ما با دولت اتحاد جاهیر شوروی است. حقیقه من نمیدانم چه حکایتی است! پنجسال است از اول دوره چهارم تا بحال می گفتند. در کابینه اخیر آقای میرزا احمد خان قوام السلطنه بود که میگفتند بمجرد اینکه این کابینه رفت حتی قسم هم میخوردند به سبیل ها و عمامه ها که این کابینه که رفت و کابینه آقای میرزا حسن خان مستوفی آمد دیگر کار قرار داد تمام میشود و چه میشود. او رفت کابینه بعد هم آمد و رفت دو سال دیگر هم آمد و رفت و تمام نشد گفتند که مسلم است روابط ما کامله الوداد است. این هم نشد. این جا هم آقای رئیس الوزراء مقتضی ندانستند بگویند در صورتیکه مقتضی بود (یعنی عقیده بنده این است) چون ما سیاست مخفی نداریم دنیا سیاستش واضح است و آشکار

از این درش دقت بشود (نمایندگان - صحیح است) و با آنکه خیلی صاف و ساده صحبت می کنید این جا خیلی دیپلماتی صحبت کردید و گفتید که من هنوز وارد در این مسئله نشده ام. آقا يك کنتراتی هست و يك مأموری را ما از آمریکا آورده ایم. و يك خدماتی هم کرده است پنجسال هم هست دارد کار میکنند. مقام مقدس سلطنت عظمی میل دارد. مجلس میل دارد ملت میل دارد دولت مقتضی نمی داند که اینرا صریحاً بیان کند اینرا هم میخواهم با آقای رئیس الوزراء (که صاف و ساده صحبت میکنند بنده هم لرهستم و صاف و ساده صحبت می کنم) عرض کنم این جا که گیر ندارد صاف و ساده صحبت نکردند و این چیزبان ساده را که این طور مشکل صحبت کنند يك چیزی را که مشکل باشد چه خواهند کرد؟ این هم یکی از موضوعاتی بود که بنده مقتضی میدیدم آقای رئیس الوزراء برای جلب توجه اکثریت و نظر مقدس اعلی حضرت در این منظور بیشتر از این توجه میفرمودند ولی حالا در این قضیه می فرمایند که بلی خوب به هر حال این يك موضوع. يك موضوع دیگر که بیشتر بنده بآن متوجه هستم راجع به بودجه وزارت فواید عامه است در کابینه سابق آقای رئیس الوزراء وزیر فواید عامه بودند در آن وقت آن مسؤلیتی را که داشتند حالا مسؤلیت شان بیشتر شده است چون هم رئیس الوزراء هستند و هم وزیر فواید عامه. بنده يك نفر خودم را عرض میکنم اگر رأی بنده را بخواهید و اگر نخواهید که بنده يك ساعت دو ساعت این جا وقت تلف بکنم این بودجه را تجدید نظر درش بکنید این يك بودجه ایست که حقیقه هیچ نمیشود درش وارد شد. بنده عرض میکنم بودجه برای جنگل گذرانند اول جنگل مازندران را گذاشتند و رفتند طرف جنوب مردمی که بلوط می خورند. مأمورین رفته اند آن جا از شان مالیات می خواهند. آخر این که درخت صنعتی نیست درخت قابل نملک نیست. رفته اند آن جا

رئیس -- این جا هم مثل سایر قضایا بطور مخالف و

موافق صحبت بشود؟

جمعی از نمایندگان - بلی.

رئیس -- آقای شیروانی موافقت؟

شیروانی - بلی.

رئیس -- بفرمائید

شیروانی - بنده اول مرتبه ایست که در برگرام يك دولتی موافقت میکنم. موافقت بنده هم البته مربوط به يك تشکیلات جدیده بایک اشخاص جدیدی که روی کار آمده اند نیست. زیرا رجال این مملکت را غالباً می شناسیم و طرز فکر و عمل شان را هم میدانیم و میدانیم که کمتر از آنها هستند که در قضایای مملکت بی علاقه باشند همه علاقه مند هستند منتهی موافقت ها و مخالفت ها همیشه روی يك سیاستهایی بوده است ولی امروز وضعیت

ایران در مقابل سیاست عمومی دنیا طوری است که بعقیده بنده هر دولتی که بمجلس میآید باید بمجلس شورای ملی بایک وحدت نظری نسبت باو اظهار موافقت نماید. وضعیت سیاسی دنیا طوری است که بیشتر ما را متوجه به عمل و کار و برداشتن يك قدم های مؤثر سیاسی میکند. آقای آقاسید یعقوب در عین حالی که وعده دادن کارت سفید هم دادند داخل در يك اظهارات مخالفت آمیزی شدند که بعقیده بنده مربوط بیک سیاست عمومی که در موقع طرح برگرام باید درس بحث کرد نبود. مسائلی را که ایشان فرمودند غالب آنها بعقیده بنده صحیح بود برای اینکه مملکت ما دچار يك وضعیت مخصوصی است و در بازود هم باید يك قدمهای مؤثری برای اصلاحات برداشته شود. ولی عرض میکنم در عین حال در موقع طرح برگرام مخصوصاً افرادی که کارت سفید بدولت میدهند باید سعی کنند و دولت را موافق کنند باینکه مقاصد مشروع آنها را جدی تر بموقع عمل بگذارند راجع بکابینه فرمودند که اظهار موافقت و تمایل باشخص رئیس دولت فرموده اند و در مقابل افراد هنوز تصمیمی اتخاذ نفرموده اند. این صحیح است برای اینکه مجلس شورای ملی بموجب قانون اساسی حق دارد نسبت به هر وزیر یا چند وزیر اظهار نظر مخالفت یا موافقت بکند ولی در عین حال وقتی يك رئیس الوزراء مورد تمایل يك اکثریت فوق العاده قوی شد در مجلس و ایشان هم جزو متمایلین بودند باید که اجازه بدهند يك تشکیلاتی را که دولت متناسب باخط مشی خودش میداند بدهد بعلاوه آقایان وزراء هم غالباً وزرائی هستند که چندین مرتبه طرف اعتماد مجلس واقع شده اند و کم و بیش بکدمهای اساسی و اصلاحی برداشته اند. فرمودند که در کابینه گذشته کار هائی نشد. اقداماتی نشد. قدمهایی برای مملکت برداشته نشد. چون بنده از موافقین کابینه گذشته بودم و تقریباً تمام آقایان باستانهای یکی دو نفر از اعضاء کابینه گذشته اند (و بنده معتقد هستم که

مهمترین قدمهای بزرگ برای اصلاحات این مملکت در کابینه گذشته بر داشته شده است) این جمله اظهارات ایشانرا میخواستم تکذیب کنم...

آقا سید یعقوب - یعنی کابینه گذشته گذشته

شیروانی - در کابینه گذشته یکی از قدم تاریخی که برای این مملکت برداشته شده مسئله راه آهن است که کابینه گذشته لایحه او را بمجلس آورد و اعتبار او را از مجلس تقاضا کرد و شروع بعمل نمود. نا بحال حرف و مقاله و این چیزها راجع باین موضوع خیلی گفته میشد و نوشته میشد ولی کابینه گذشته شروع بعمل کرد. در کابینه گذشته یکی از قدمهای مهم تاریخی که برداشته شد اصلاح قوه قضائیه بوده است و این يك چیزی نیست که محل انکار آقای آقاسید یعقوب باشد. همینطور گذراندن قانون تأسیس بانک و خیلی از لواج خوب دیگر مخصوصاً لایحه تعلیمات اجباری و بالاخره يك مسائلی که چندین سال است از ابتدای مشروطیت نا بحال ما همه حرف آنها را میزدیم و موفق بعمل نمیشدیم کابینه گذشته و این کابینه که بعقیده بنده يك اتصالی بآن کابینه دارد مبدء این اعمال بوده است و مهم ترین قدمهای اساسی را برداشته است....

حاج آقا رضا رفیع - مثلاً الغاء تصویب نامه جنکلی شیروانی - راجع به نقض قوه تأمینیه فرمودند بنده کاملاً تصدیق میکنم برای اینکه یکی از قطعات حوزه انتخابیه بنده در چند روز قبل مورد ناختم و ناخ طایفه شریروبر احمدی واقع شده است و دولت فعلی کاملاً مکلف است که این نکته را رعایت نماید و باید بقوه تأمینیه بسط بدهد و امنیت را توسعه بدهد و بالاخره این قوه است که ما را می تواند راحت بگذارد تا بپردازیم بسایر اصلاحات. و البته فراموش هم نفرموده اند که این قوه چندین سال است تأسیس شده است. این قوه شاید چندین قرن بوده است که در ایران نبوده و الان چند سال است شروع بتأسیس آن شده است و یقین

دارم که ایشان هم این حسن ظن را نسبت باعلیحضرت دارند که در حقیقت ایشان موجود يك همچو قوه در این مملکت بوده اند و حالا تذکر ایشان برای توسعه آن است و اما در موضوع آن اشاره که آقای رئیس الوزراء فرمودند راجع به تسریع در رفع اختلافات بین ما و دولت شمالی. بنده اگر يك عدم رضایتی بطور خصوصی از کابینه گذشته داشتم برای این بوده است که فوق العاده در بعضی مسائل ما دچار مطالعه و احتیاط می شدیم و اطمینانی را که با آقای رئیس الوزراء فعلی داریم این است که ایشان حقیقه يك جنبه عملی دارند و ایشان این قدم عملی را برمی دارند و اگر هم اشتباهی کردند اعتراف بآشوبه خودشان می کنند و بعد هم آن اشتباه را تصحیح می کنند احتیاط بالاخره ما را خیلی عقب انداخته و خیلی ما را فاجع کرده است و وعده را که ایشان میدهند بنده کاملاً امیدوارم زیرا میدانم که ایشان اهل عمل اند و در کابینه گذشته هم موقعی که ایشان وزیر بودند بیشتر قضا با عملی شد و قدمهای مؤثری برای پیشرفت این مقصود برداشته شد و امیدوار هستم هیئت دولت که بیشتر نزدیک سیاست های خارجی است بدانند که ادامه این وضعیت فوق العاده برای ما گران تمام میشود و امیدواریم همانطور که وعده فرمودند زودتر این قضیه ختم بشود. بنده معتقدم اگر در بعضی جاها سهو شد سهو قابل جبران است. خلاصه اینکه همانطور که در بدو عرایض عرض کردم دنیای امروز بما حکم میکند که کار کنیم و طرز عمل مجلس و همینطور دولت هر دو بعقیده بنده باید عوض شود. مجلس باید آن فورمولها و فرمالیته های معمولی را در آئیه بعقیده بنده يك قدری عوض کند و تصور کند که هر دو متساویاً شریک در مسؤولیت هستند. و در مقابل ملت و مملکت مسؤول هستند. دنیای امروز میدان وسیعی برای ما باز کرده است که ما از وضعیت دنیا استفاده نماییم. این موقع موقعی نیست که مادر اشخاص

حرف بزنم بادر فلان فرد کابینه که ما از او سابقه خوب باید داریم باشخصاً کدورت داریم اینها را مطرح قرار بدهیم. این جا موقعی نیست که ما فکر کنیم که فلان رفیقمان باید يك قدم جلو برود یا فلان رفیقمان معاون بشود و توقعات داشته باشیم. اینجا موقعی است که وحدت نظر کاملی که اغلب خود آقای آقاسید یعقوب هم بآن اشاره میکردند که در مواقع بزرگ در این مملکت پیش می آمده است امروز هم همان موقع بزرگ رسیده است و معتقدم که باید مجلس شورای ملی دولت را تقویت کند و اگر يك سنگ هائمی هم جلوی پای دولت انداخته می شود و يك اشخاص جاه طلبی هنوز از طعم شیرینی های لذتهائی که در گذشته از این مملکت برده اند نمیخواهند صرف نظر نمایند باید يك قدری آنها را دور کنیم و اجازه ندهیم بآنها. و بگذاریم که امروز يك قدری مملکت بحال عادی جلو برود و ما با هم دست یکی کنیم و بودجه مملکت را اصلاح کنیم و همانطور که فرمودند صرفه جوئی کنیم و اصلاحات اقتصادی بکنیم. خلاصه اینکه با هم کار کنیم. و بنده نظریات نماینده محترم را کاملاً تأیید می کنم که وضعیت ما خوب نیست گذشته هم خوب نبوده ولی بعقیده شخص بنده امروز موقع آن است که ما با هم دیگر کمک کنیم و قطع نظر از اصلاحات داخلی باید برای پیشرفت يك مقصد مهم سیاسی نسبت بوضعیت کنونی دنیا کاملاً کمر به بندیم و استفاده کنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - اینکه گفته میشود مخالف و موافق صحبت میکنند لابد آقایان متوجه هستند که بمعنی نام کلمه مقصود نیست و مقصود موافق و مخالف دولت نیست بلکه مقصود این است این برگرامی را که جلوی ما میگذارند اگر این را کامل و صحیح و بدون نقص و عیب و

موافق دل خواه یافتیم که موافق هستیم و اگر ناقص است او را هم حق داریم که ملاحظات خودمان را بگوئیم و اظهار کنیم (نماینندگان - صحیح است) لابد کسی که عقیده دارد يك كله در اینجا ناقص است بعنوان مخالف باید حرف بزند. (بعقیده بنده) چون گفتند که این پرگرام دنباله همان پرگرام سابق است و در دنباله پرگرام هیئت وزرای سابق مطالب مشروحاً بیان شده بود و این هیئت وزراء همه آنها را قبول دارند لهذا مثل این است که همان را ثانیاً نوشته اند. پس باید به بینیم چه چیز ناقص دارد و چه چیز هست که نمی باید باشد و چه چیز درش نیست. البته ممکن است با مطالعه کامل ملاحظات زیادی برآید بشود اینجا مجلس شورای ملی است هیئت وزراء هم حاضر میشوند و با یکدیگر شور میکنیم و نظریاتمان را اظهار میکنیم و اگر چیزی بنظر کسی رسیده باشد که شاید از نظر هیئت وزرای مملکت سهواً یا اشتبهاً دور افتاده باشد یا توجه نکرده باشند میگوید و ایشانهم جواب میدهند یا اینکه گوینده ملتفت میشود که اشتباه کرده است عجاله بنده در اینجا دو نظر دارم که باید این دو نظر در این پرگرام یا در پرگرام دیگری که بمجلس میآید ملحوظ شود و بعقیده بنده خیلی لازم است. در موقع دیگری هم عرض کردم که مجلس شورای ملی و ملت ایران هم يك پرگرامی میخواهد. يك نقشه اساسی نمندی میخواهد که به تغییر هیئت دولت خطوط اساسی آن تغییر نکند اگر غیر از این باشد هر دو ماه یکمرتبه خطوط اساسی و فصول مهمه سیاست مملکت باید عوض شود در صورتیکه اینطور نیست يك سلسله اصلاحاتی در این مملکت بعمل آمده است که جای انکار نیست ولی حالا مملکت ما يك موقع مهمی رسیده است که يك اصلاح مهم اساسی که مهمترین اصلاحات است باید بعمل بیاید و آن این است که کم کم که ادارات دولتی

منظم شده و مالیه دولت مرتب شده است و پول به انتظام جمع میشود و انشاء الله به انتظام هم خرج می شود. بنده در يك موقعی عرض کردم که اگر شما پنجاه کرور مالیات دارید اگر طوری پیش بیاید (اگر چه در دنیا و در هیچ مملکتی حتی در سوئیس هم ممکن نیست و در واقع از نوع بشر هم شاید ممکن نیست که فرض کنیم که اداره مالیه و خزانه مملکت طوری منظم باشد) که تمام این پنجاه کرور بطریق نظم و عدالت از کسی که باید بدهد بگیرند بدون اینکه يك دینار تعدی بکنند و مجلس شورای ملی هم نظارت داشته باشد که این پنجاه کرور بهمان مصرفهایی که در بودجه نوشته شده است برسد و بدون هیچ اشتباه و تقلب و نخطی بمصرف صحیحش برسد با این ترتیب تازه بعد از سی سال که اینطور بود مملکت يك قدم پیش نبرد. برای اینکه مجلس شورای ملی باید مصمم بشود که این پول در کجا باید خرج شود و بعقیده بنده کار این مملکت باینجا رسیده است که صحبت مهم مملکت باید این باشد که آیا این چیزهایی که در مجلس میآید همه شان باندازه متساوی مهم است یا نیست سابقاً يك كله داشتیم که در مواقع خیلی مهم میگفتیم فوق العاده حالا فوق العاده بمعنی خیلی شده است و باره اصطلاحات دیگر مثل (حیاتی) حالا می بینیم گاهی سیم کشیدن از سقر به بانه هم حیاتی میشود. برای ما كله دیگر باقی نمانده است که بیان نمائیم آن اصلاحاتی که لازم است چه قدر مهم است عقیده بنده این است که مملکت دچار يك فقر اقتصادی است که این اشخاصی که مالیات میدهند بدولت باید نمایندگان آنها مواظب باشند که بتقسیمی از این مالیاتها بمخارج ضروریه دولت برسد یعنی بمصرف قواء تأمینیه و قضائیه و غیره برسد و يك قسمت دیگری هم باید بمصرف امور حاصل خیزی برسد که يك چیزی بر ثروت مالیات دهنده ها افزوده شود تا ثروت آنها تکمیل شود. لهذا بنده پیشنهاد افراطی نمیکم يك

پیشنهاد معتدلی میکنم و آن این است که از این پنجاه کرور که میگیرند اقلاً پنج کرورش بمصرف خود این ملت یعنی برای تقویت بنیه اقتصادی مملکت و فلاحت و آبیاری و سد بندی و کارخانه های مفیده برسد بنده نمیگویم همه اینها یکمرتبه انجام شود بلکه عقیده ام این است بترتیب الاهم فالاهم این اصلاحات به عمل آید يك قسمت دیگریست باید در رشد عقلی این مملکت صرف شود که ما نگوئیم يك خانه داریم که زمین باغی است و خودمان بلد نیستیم بنائی کنیم پولش را هم نداریم و نمیدانیم چطور باید بنائی کنیم باید اشخاص از خارجه بیایند و ما نشان بدهند که این بنائی را چطور باید بکنیم؟ و برای این کار ما میتوانیم پانصد نفر دوست نفر در یکسال بفرستیم به ممالک خارجه شش ساله هفت سال (هر قدر لازم است) در آنجا بمانند و فنونی که برای اداره این مملکت لازم است یاد بگیرند و این اصطلاح جدیدی که در آمده است (متخصص) جای این متخصصین را بگیرند ولی بدبختانه این کار بطور دلخواه واقع نمیشود و يك ماشینی در این مملکت درست شده است که بتدریج و بطور مرتب افراد ذکور این مملکت را مستخدم دولت میکند و با این ترتیب البته بمرور زمان تمام اهل پابخت و يك قسمت بزرگی از اهل مملکت مستخدم خواهند شد و این مستخدمین بمنزله قشونی هستند که پول مملکت و رعایا را میخورند بنده بدون اینکه قصد توهینی بمستخدمین داشته باشم این عرض را میکنم و البته آنهایی که خدمت میکنند و خدمتشان ضروری است ما باید کمال قدر دانی را از آنها داشته باشیم و بعقیده بنده پایه آنها مساوی است با پایه وکلای ملت که اینها در مجلس خدمت میکنند آنها هم در وزارتخانهها کار میکنند ولی مستخدم زیادی مثل لشکر سن است که برایشه ملت بیفتد و او را بمکد فرضاً که این کار بطور انفعالی در این مملکت بعمل بیاید دولت نقشه ندارد که فلاقتدر مستخدم لازم دارد يك اداره دایر میکند

و يك میزی در آنجا میگذارد و يك کسی را در آنجا می نشاند و میگوید که شما هر کس متولد شد و هر کس وفات کرد بنویسید چند روز میگذرد يك کس دیگری می آید و میگوید من خیلی مستأصلم و خیلی پریشانم کار میخواهم شما را بخدا يك کاری بمن بدهید. کار هم که نیست. چه بکنند؟ بالاخره يك اطاقی برای او درست میکنند و میگویند که شما موالید را بنویسید و ایشان و فیاز را. باز هم يك کس دیگر پیدا میشود باو میگویند شما موالید ذکور را بنویسید و آن دیگری موالید اناث را. و بعقیده بنده اینها يك لشکری هستند که این مملکت را میخورند و تمام می کنند و باید از این پولها بتدریج کسر کرد. این نکته را که بنده عرض می کنم نکته نازه نیست و مخصوص بنده هم نیست و گمان می کنم اغلب آقایان نمایندگان محترم باینده همراه و موافق باشند که ما باید مخارج خودمان را محدود کنیم و قسمت بزرگش را صرف امور مهمه بکنیم و امور مهمه آن چیزی است که حاصل خیز باشد و برای مملکت تولید ثروت بکند ضمناً آنچه که برخلاف این نکته شنیده ام این است که می گویند مبلغی از عایدات پارسال زیاد است (بقدر يك میلیون و نیم) و وزارتخانهها می خواهند بن خودشان تقسیم کنند در صورتیکه در بودجه پارسال لازم نبوده و اصلاً لازم نبوده است از مردم بگیرند و بهمین جهت هم معنایش اضافه است یعنی لازم نبوده است. حالا احتیاطاً گرفته اند که مخارج مملکت کم نیاید و حالا که گرفته اند شده است (لازم) در صورتیکه در بودجه پارسال لازم نبوده است و باید این پول را قطعاً و بالانحصار صرف امور حاصل خیز مملکت کرد یا صرف فرستادن شاگرد مخارجه بشود ملاحظه دوم بنده راجع بیک مطلب مهمی است که بنظر بنده خیلی مهم است. حالا نمی خواهم مبالغه کنم و عرص کم مسئله حیاتی است ولیکن یکی از مهمترین و اساسی ترین امور این مملکت میدانم و رای نده يك

قدری جای تأسف است از اینکه آقای رئیس الوزراء فرمودند این کار جزئی است. بنده گمان میکنم اصلاحاتی که مایشروع کرده بودیم در مالیه و این مجلس عامل مهم او بود و این را برپا کرد از این برپاشدن و مداومت پنجساله او این مملکت فوائد و محسنات بی شماری برد با وجود اینکه نواقص و معایبی هم دارد و کسی هم انکار ندارد بعضی آقایان هم شاید ایراد میکنند. صحیح است بوزارتخانه های دیگر خودمان هم همین ایرادات را داریم ولی اصلاحاتی که در مالیه بعمل آمده بقدری فوائد کلی برای این مملکت دارد که اگر ده ساعت هم در اینجا صحبت نمایم کافی نمیشود و میدانم خود آقایان وجداناً حق آنها را هم که گاهی ایراد میکنند فوائد آن را میدانند. یکی از بزرگترین فوائد او بلکه بالاترین فوائد او این بوده است که در این سنوات اخیر مملکت محتاج به قرض نشده است حالا بعضی ها میگویند قرض برای مملکت اهمیت ندارد. انگلستان فلانقدر قرض دارد. فرانسه فلانقدر قرض دارد. اگر آخر سال بودجه نان کم بیاید و پنجاه هزار تومان محتاج شوید و دستتان لای در بماند برای همان پنجاه هزار تومان قرض دهندگان پیدا میشوند که از شما آن چیزی را میخواهند که اگر در مواقع اعتبار بانصد میلیون از او میخواستید جرأت نمیکرد بگوید این موضوع اساسی است و باید این اصلاحات مداومت داشته باشد. و این کمتر آنها تجدید بشود. و بنده گمان میکنم که روح مجلس شورای ملی با من موافق است (نمایندگان - صحیح است) که از آقایان وزراء بطور تأکید خواهش کنم که هر چه زود تر این کمتر آنها را تجدید نمایند که اگر غیر از این بشود اسباب خطر اصلاحات مملکتی میشود و لذا چون بنده نمیخواهم در این باب مکرر در اینجا حرف بزنم امید قوی دارم و از هیئت وزراء هم که باطناً همین طور هستند از صمیم قلب تمنا میکنم که این کار را زودتر ختم نمایند و کمتر آنها را تجدید نمایند.

و این دفعه آخر است که در اینجا عرض میکنم برای اینکه هر روز مکرر نکنم و آن این است که نمایندگان ملت يك وظیفه داریم در مقابل این مملکت و این مملکت یعنی اکثریت عظیمه این مملکت میخواهد که این کار مداومت پیدا کند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - البته همینطور است که نماینده محترم اظهار فرمودند مذاکره در اطراف پروگرام بعنوان موافق و مخالف برای تبادل يك نظریات و يك ملاحظاتی است یعنی اغلب اینطور است. حالا شاید يك مواقعی هم پیدا می شود که صورت این است ولی باطن چیز دیگر است ولی ما فعلاً از نقطه نظر اظهاراتی که نماینده محترم اینجا فرمودند و قطعاً مقصودشان همین بوده که فرمودند در مطالبی که اظهار داشتند مختصراً بحث میکنیم. پروگرام دولت سابق را تذکر دادند که دولت فعلی این پروگرام را قبول کرده است و در تعقیب و تکمیل آن پروگرام در مقابل مجلس شورای ملی تعهد و اقدام کرده است در ضمن فرمودند اگر در پروگرام ها يك چیزی کم باشد یا يك چیزی را باید افزود بطور تذکر باید گفت. قبلاً راجع به قواء تأمینیه آقای آقاسید یعقوب اظهار فرمودند برای تذکر خود ایشان و آقای تقی زاده عرض میکنم که یکی از مواد پروگرام سابق همین بود که اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که بسط قوای تأمینیه یکی از مواد اصلی و مهم همان پروگرام است و دولت هم در اظهاراتی که کرده نظرش بیکی از موادی که سریعتر در انجام او کوشش خواهد کرد همین بسط قوای تأمینیه است که طرف احتیاج عمومی مملکت است. البته همانطور که آقای تقی زاده فرمودند پروگرام منحصر بدولت نباید باشد. پروگرام یعنی چه؟ یعنی نقشه و خط مشی در امور زندگانی حالا وقتی که این کلمه اطلاق بيك کابینه و بيك دولتی میشود سیاست مملکت را که آنها عهده دارند در ضمن این پروگرام معلوم می کند ولی مانع از این نیست که مجلس

شورای ملی با مصادر دیگر امور مملکت در هر مقام و هر کجا که باشند آنها هم از برای اداره امور خودشان و برای بسط فکر و عقیده و نظرشان يك پروگرامی داشته باشند این محل هیچ زدید نیست حتی افراد خارج از کار های عمومی هم باید برای خودشان يك پروگرام و يك خط مشی داشته باشند البته راست است پروگرام مجلس را مجلس باید معین بکند ولی چون پروگرام در امور مملکتی پروگرام عمل است و عامل و مجری همیشه مطابق اصول هیئت دولت و قوه مجریه است و در حقیقت هر پروگرامی که طرف اعتماد مجلس واقع میشود همان پروگرام دولت و مجلس است ما نمیتوانیم قائل شویم به اینکه مجلس يك پروگرامی خواهد داشت و دولت يك پروگرام دیگری ولی در موقعی که يك پروگرام تدوین میشود و تحت بحث می آید نتیجه را تعاطی فکر و تبادل نظر بین قوه مجریه و قوه مقننه آن پروگرام مملکتی است که خط مشی سیاسی و خطوط معظمه اصلاحات مملکتی در آن طرح شده. و از طرف دولت تعقیب می شود و مجلس در ضمن تصویب نظارت میکند که همیشه همان اصول باقی بماند و اگر هم يك وقتی مقتضیات زمان يك تغییر و تکمیلی را الزام نمود باز مجلس بدولتی که سر کار است کمک میکند و نظارت میکند که آن نواقص رفع شود پس ما باید قائل شویم که پروگرام دولت همان پروگرام مجلس است و هر نظری که مجلس داشته باشد همان نظر را قبلاً دولت اتخاذ و استنباط کرده است و پروگرام خودش کرده است بعد در ضمن مذاکره اصلاحاتی که بنظر آقایان میرسد میشود. مخارج حاصل خیز یا داشتن يك سیاست استخدای این البته از مسائل اصولی است که از برای مملکت از هر حیث مفیدترین و نافعترین چیزها است ولی تذکری که آقای تقی زاده در اینجا فرمودند خیلی بموقع و بجای بود در هر موقعی که این اظهار را بفرمائید بعقیده بنده از طرف دولت و مجلس بایستی با نهایت حسن تلقی استقبال شود مخارج حاصل خیز از آن مخارجی است که بالاخره

خرج میشود ولی به او نمیشود اطلاق خرج کرد برای اینکه خودش تولید سرمایه و منفعت میکند ولی برای اینکه مخارج حاصل خیز در يك مملکتی ممکن باشد البته باید اول آن مخارجی که لازم و ملزوم پیدا کردن آن عایدات و خرج کردنشان بمخارج حاصل خیز است آنها هم باید نامین شود اگر آنها هم نامین نشود این يك دور و تسلسلی خواهد بود که هیچوقت نتیجه اش پیدا نمیشود ولی البته در آن قسمت همیشه باید نظر را بر این داشت که اقتصاد و صرفه جوئی را رعایت کرد در صورتیکه در مخارج حاصل خیز بدون ملاحظه صرفه جوئی هر کجا يك همچو مخارجی به بینیم بتوانیم رو به آن مخارج برویم و برای تذکر خاطر محترم آقایان اگر چه يك قسمت مهم آقایان مسبوق هستند ولی باز بنده اینجا زائد نمیدانم که عرض کنم در کابینه سابق در وزارت مالیه و در بودجه های وزارتخانه ها هر کدام تا اندازه این عقیده تعقیب شده و مخصوصاً اشاره کردند به اضافه عایدات ۱۳۰۵ و فرمودند چطور آروز لازم نبود و حالا لازم شده است؟ بنده چون حواسم جمع نبود درست ملتفت نشدم ولی اینطور استنباط میکنم که میخواستند بفرمایند که اگر صرفه جوئی یا اضافه عایداتی پیدا شده ناچار در مقابلش يك مخارج لازمی نبوده و چطور در ۱۳۰۶ این مخارج لازم پیدا شده اگر این باشد نظرشان بنده رفع سوء تفاهم از ایشان میکنم زیرا آن اضافاتی که موجود است از اضافه عایدات و صرفه جوئیهای مخارج ۱۳۰۵ است و در مقابل آن هم دولت يك خرج عادی را لازم ندانسته نه برای حالا و نه برای بعد و اگر دولت در نظر گرفته است که لایحه تقدیم بکند و مخارجی در مقابل آن محل پیشنهاد کند تمام برای مصرف مخارج انتفاعی است از قبیل سد بندی و راه سازی و کمک به بذر و فلاحت و کارخانه قالی بافی و مدرسه صنعتی و این قبیل چیزها که جزء مخارج حاصل خیز است. یکی دیگر اینکه آقا نباید فراموش بفرمایند که یکی از اینها هم انجام دادن تعهدات

مجلس شورای ملی است. آخر مجلس شورای ملی هم در ضمن قانون گذاری يك تمهیداتی میکنند این تمهیدات را کی باید انجام بدهد؟ البته باید افراد دولت در صدد باشند که چطور انجام بدهند روزی که در مجلس قانون گذارند و دولت را مکلف کرد که صد هزار تومان بکارخانه نساجی اصفهان قرض بدهد در آنجا که محل معین نکردید خوب دولت خودش باید مجلس را تهیه کند برای اینکه تعهد مجلس را تأمین کند روزی که اینجا رأی دادید که برای بنای وزارت عدلیه صد هزار تومان باید خرج کرد این صد هزار تومان را از این صرفه جوئیهایی که ملاحظه میفرمائید باید تأمین کرد. اصلاً يك قسمت مخارجی است که آن مخارج صرفه جوئی حقیقی نیست مثلاً قانون معارفی يك ترتیب عوائد و ترتیب مخارجی را در مقابل آن عوائد مقرر میدارد. همینطور صحیه و سایر مسائل دیگر ولی مطابق قانون محاسبات ممکن است سال محاسباتی سرآید و آن عوائد تماماً بمخارجی که قانون فعین کرده است نرسد این از نقطه نظر صورت ظاهر امر و جریان اداری اسمش صرفه جوئی شده است اما حقیقه صرفه جوئی نیست قانون مقیدش کرده است برای آن مصرف یعنی آن را باید از آنجا خارج کرد و در سال بعد بمصرف خودش رسانید. باری مقصود بنده از این اظهارات این است که میخواهم خاطر محترم آقایان نمایندگان را مستحضر کنم که این مطالبی که فرمودند همه در نظر هست و بررور عمل بعرض آقایان خواهد رسید و البته از تذکری هم که آقایان نمایندگان میدهند همه ماها متشکریم. در قسمت اخیر فرمایشاتشان راجع به میسیون امریکائی و کنترات رئیس آنها دکتر میلسپو اظهاراتی فرمودند. اولاً بنده اعتراضاتی را که فرمودند بعبارتی که آقای رئیس الوزراء اظهار کرده بودند عرض میکنم که بنده این اعتراض را وارد نمی دانم زیرا همین طوری که خود ایشان در موقعی که صحبت از لفظ فوق العاده و حیاتی میفرمودند مقصودشان این بود که در عبارات و

جملات و طرز تعبیر فکر باید يك درجائی قائل بود البته هر امری ممکن است در موقع خودش خیلی اهمیت داشته باشد که در مقابل امر مهمتری اطلاق امر جزئی به او بشود بدون اینکه به آن گفتن (جزئی) بشود اعتراض کرد. آقای رئیس الوزراء اگر فرمودند که این از امور جزئی است نه اینکه مقصودشان این بوده است که مسئله فی حد ذاته اهمیت ندارد خیر، مقصودشان این بود که از حیث مقایسه با اشاره که بوضعیات و سیاست کنونی دنیا و مسئله تجارنی و روابط روس و ایران میکنند البته جزئی است. بنده هم اینجا نایید میکنم و اما در اصل مطلب لازم است خاطر محترم آقا را (بنده که شاید سابقه ام در این امر بیشتر است زیرا جزو کار بنده است و در کابینه سابق هم بودم) متوجه کنم که در هیچ موقعی، هیچ دولتی و هیچ رئیس الوزرائی نظر نفی نسبت به این قسمت نداشته و ندارد و همینطور که آقای رئیس الوزراء فرمودند در برگرام دولت سابق و این دولت نظر اثباتی هست که مستلزم نظر اصلاحی است و هر دو این ها خیلی زود مورد مطالعه آقایان گذاشته می شود و با هم فکری و شرک آقایان تثبیت میشود.

پس در اینصورت جای نگرانی نیست و اینکه تا کید در تسریع آن فرمودند عرض میکنم تسریع آن کاملادر نظر دولت هست. و اینکه آقای رئیس الوزراء فرمودند که کاملاً هنوز وارد قضیه نشده اند البته تصدیق میفرمایند که هر قدر رئیس الوزراء محترم ماجدی و تسریع باشند در صورتیکه هیئت دولتشان يك جلسه بیشتر نداشته و آن جلسه هم صرف این شده است که يك مسائل کلی گفته شود بالاخره ایشان کوتاهی در تسریع نکرده اند و البته تسریع هم خواهد شد و خود آقایان هم مسبوق خواهند شد. آقای تقی زاده در ضمن فرمایشاتشان قدر دان از زحماتی که مستخدمین خارجه برای کمک به اداره مالیه کشیده اند فرمودند. يك قدر دانی دیگری هم در

اینجا لازم است که بنده از طرف آقایان نمایندگان محترم بکنم و آن این است که هیچ وزیر مالیه و هیچ متخصص و متفکر امور مالی اگر قوه و قدرت و سر نیزه پشت سر حکم و اراده او نباشد یکشاهی از این مملکت نه مالیات میتواند وصول کند و نه یکشاهی عواید میتواند جمع کند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مدرس - بنده اجازه خواسته ام

رئیس - چند فقره پیشنهاد شده است

(شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتی

بنده ختم جلسه را بمقام مقدس ریاست دامت عظمة پیشنهاد میکنم.

پیشنهاد کفایت مذاکرات میکنم
پیشنهاد میکنم بقیه مذاکرات بروز سه شنبه موکول و جلسه ختم شود

رئیس - راجع به ختم جلسه مخالفی نیست؟

باسائی - بنده مخالف هستم

رئیس - بفرمائید

باسائی - بنده عقیده ام این است که مذاکرات به اندازه کافی شده است و این صحبت هائی که میشود

راجع بکلیات است که از طرف موافق و مخالف کراراً گفته شده است بنا بر این ادامه دادن بمذاکرات وقت تلف کردن است دولت حاضر برگرام و خط مشی دولت سابق را قبول کرده است به اضافه اینکه کنترات دکتر میلسپو را بیاورد تجدید کند و اهتمام در اقتصادیات بکند و سعی کند که روابط تجارنی با جاهای شوروی زودتر مستقر شود بالاخره اینها هم در برگرام سابق بوده است بنا بر این عقیده بنده این است که دیگر مذاکرات لزومی ندارد. و جلسه هم ختمش موردی ندارد باید رأی گرفته شود به برگرام و تمام شود

وزیر عدلیه - بنده از آقای باسائی که یکی از موافقین جدی دولت هستند تمنا میکنم امروز اصراری نداشته باشند به اینکه مذاکرات ادامه پیدا کند زیرا بایستی آقایان مخالفین هر حرفی دارند بزنند و چون فعلاً وقت خیلی گذشته است هوا هم گرم است و آقایان هم خسته هستند بهترین ترتیبات این است که بقیه مذاکرات را بگذاریم برای روز سه شنبه که آقایان هر مذاکرانی داشته باشند بفرمایند.

رئیس - پس راجع بختم جلسه مخالفی نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - بقیه مذاکرات میباید برای روز سه شنبه

(مجلس بکساعت و ده دقیقه از ظهر گذشته ختم شد)